

اسکی

آقا موشه و خاله سوسکه، با وسایل اسکی از خانه بیرون آمدند.

صبح به این زودی، کجا می‌روید؟

داریم می‌رویم اسکی.

شوهرم قهرمان اسکی است.

بی خود کرده که قهرمان است. من شکستش می‌دهم.

صبر کنید! من هم می‌آیم.

